



تلقی تبدیل علوم انسانی به علوم دینی محض غلط است/ تفکیک علوم دینی محض و مستفید

تقسیم علوم مرتبط با دین به علوم دینی محض و علوم مستفید، راهگشا است و مقصود از طرح اشکالات علوم انسانی این نیست که آن را باید تماماً از دین گرفت؛ باید از نگاه افراطی پرهیز کرد و ضمن پای فشردن بر بهره‌گیری ناگزیر علوم انسانی از دین، نباید گفت که علوم انسانی به علوم محض دینی تبدیل شود.

تقسیم علوم مرتبط با دین به علوم دینی محض و علوم مستفید، راهگشا است و مقصود از طرح اشکالات علوم انسانی این نیست که آن را باید تماماً از دین گرفت؛ باید از نگاه افراطی پرهیز کرد و ضمن پای فشردن بر بهره‌گیری ناگزیر علوم انسانی از دین، نباید گفت که علوم انسانی به علوم محض دینی تبدیل شود.

«#حجت‌الاسلام احمد مبلغی، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی»

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، در باب فرصت‌ها و آسیب‌های دین‌شناسی علمی، ابتدا به گونه‌شناسی علوم از حیث نسبت داشتن با دین پرداخت و گفت: می‌توان علوم را از حیث نسبت داشتن با دین و نوع این نسبت به پنج دسته تقسیم کرد: دسته اول علم دینی تمام عیار، دسته دوم علم مستفید از دین، دسته سوم علم بشری تمام‌عیار (هر چند مقید به دین)، دسته چهارم علم متمرکز بر دین به عنوان موضوع و دسته پایانی علم متمرکز بر علم دینی به عنوان موضوع.

علم دینی تمام عیار و معیار آن

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی با اشاره به علم دینی تمام عیار و بیان اینکه مثال چنین علمی فقه است، گفت: معیار برای چنین علمی، این است که منابع آن علم را تنها، یعنی تماماً و انحصاراً، دین تشکیل بدهد.

مبلغی افزود: البته باید توجه داشت که این «#دینیت به صورت محض و انحصاری» در حوزه منابع علم اتفاق می‌افتد و ربطی به دو شأن «#روش علم» و «#فعالیت علمی در علم» ندارد؛ به این خاطر که روش در علم دینی، روشن است و لزومی ندارد همه عناصر آن، دینی باشد؛ بلکه ممکن است پاره‌ای از این عناصر روشی از خود دین مأخوذ باشد و پاره‌ای هم از عقل یا عقلا. به تعبیر دیگر عالمان در علم دینی با روشی مشخص به سراغ دین می‌روند و روش تولید گزاره براساس منابع را تعریف می‌کنند. در این روش مشخص ممکن است برخی از عناصر آن را از خود دین بگیرند و برخی دیگر را از عقلا یا عقل. فی‌المثل در روش فقهی از قواعد مفاهمه عرفی و عقلایی استفاده می‌شود که بسیاری از آنها اگر بنا باشد از شرع باشند یا لازم باشد که به امضاء شرع برسند، دور لازم می‌آید.

وی در خصوص فعالیت علمی در علم دینی نیز گفت: فعالیت دانشی حتی در علوم دینی نیز از سوی بشر انجام می‌گیرد؛ زیرا معنا ندارد که بگوییم خداوند یا معصوم فعالیت دانشی کرده‌اند و فقیه شده‌اند. بنابراین علم دینی تمام عیار علمی است که منابع آن را صرفاً منابع دینی - کتاب و سنت - یا منابع دست دوم که نهایتاً راه به منابع دست اول می‌برند، تشکیل می‌دهد.

احمد مبلغی:

اگر ما بپذیریم که استفاده از دین در بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی امری گریزناپذیر و قطعی است، آن گاه باید در یک مطالعه بیرون از این علوم انسانی، به سهم و میزان نقش منابع دینی در این علوم و یا نقش دین در تکوین مبانی آن‌ها بپردازیم

علم مستفید از دین

حجت‌الاسلام مبلغی در مورد قسم دوم یعنی علم مستفید از دین بیان کرد: معیار شکل‌دهنده به این دسته، وجود یکی از دو حالت «؛استفاده توأمان علم در منبع و مبنا از دین» و «؛استفاده تنها از مبنا دینی» است.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: استفاده این دسته از منابع دینی به صورت موجه جزئی است؛ به این معنا که منابع این دسته صرفاً دینی نیستند، بلکه پاره‌ای از منابع آن، دینی (یعنی منابعی که وحی را ارائه می‌کنند) و پاره‌ای از آن‌ها از غیر وحی است؛ فی‌المثل دانش اصول فقه دانشی مستفید از دین است.

وی در توضیح این مدعی اظهار کرد: ما نمی‌توانیم اصول فقه را یک دانش دینی به معنای محض مثل فقه بگیریم؛ چرا که علاوه بر کتاب و سنت از منابع دیگری نیز بهره می‌گیریم؛ برای مثال، بنا بر یک نگاه، سیره عقلا یا به تعبیر دیگر سیره‌ها و ارتکازات عقلانی نیز از منابع این علم است. باید به این نکته توجه داشت که بهره‌گیری از ارتکازات و سیره‌ها در این علم، غیر از بهره‌گیری از آن‌ها در فقه است. در فقه ارتکازات و سیره‌های عقلانی به عنوان دلیل به کار گرفته می‌شوند و مادام که شارع آن ارتکازات و سیره‌های عقلانی را امضاء نکرده باشد، دلیلی و اعتبار و حجیتی ندارند، اما در اصول که متولی ارائه قواعد استنباط است، چنین نیست؛ زیرا عقلا یا دست کم، پاره‌ای از قواعد عقلایی، در جایگاه منابع اصول نشسته‌اند و اگر غیر از این بیندیشیم، دور لازم می‌آید که در جای خود قابل ارائه و اثبات است.

علوم انسانی در زمره علوم مستفید از دین قرار می‌گیرند

حجت‌الاسلام مبلغی در مورد وابستگی علم مستفید از دین در مبنا و زیرساخت‌ها به دین، آموزه‌های دینی و رویکردها و پیشفرض‌های برگرفته شده از دین، عنوان کرد: به نظر می‌رسد که بسیاری از علوم انسانی در زمره علوم مستفید از دین باید جای گیرند. بر این اساس ما نمی‌توانیم علوم انسانی را در عداد فقه که یک علم محضاً دینی است، به حساب بیاوریم. علم محضاً دینی علمی است که همه منابع آن از دین است و اگر عقل و اجماع نیز که در زمره منابع فقه شمرده شده، نه به شکل مستقل بلکه با توجه به جنبه کاشفیت آن‌ها از منابع دست اول دینی مطرح شده‌اند؛ اما نقش این مقولات در علوم انسانی و علم اصول که نه علم محضاً دینی، بلکه در زمره علوم مستفید از دین قرار می‌گیرند، نقش کاشفیت از منابع دینی نیست.

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: بعضی از منابع علوم انسانی را ممکن است دین تشکیل دهد، اما پاره‌ای از منابع این علوم را بشر و تجارب بشری تشکیل می‌دهد. در این چارچوب ما می‌توانیم با توجه به استفاده‌ای که این علوم در بخش مبانی و احیاناً از منابع دینی می‌کنند، آن‌ها را جزء علوم مستفید از دین به حساب بیاوریم.

احمد مبلغی:

بعضی از منابع علوم انسانی را ممکن است دین تشکیل دهد اما پاره‌ای از منابع این علوم را بشر و تجارب بشری تشکیل می‌دهد. در این چارچوب ما می‌توانیم با توجه به استفاده‌ای که این علوم در بخش مبانی و احیاناً از منابع دینی می‌کنند آن‌ها را جزء علوم مستفید از دین به حساب بیاوریم

وی این را البته به معنای رها و آزاد بودن این علوم در قبال بهره‌گیری از دین ندانست و گفت: این مطلب مشخص می‌کند که بهره‌گیری بایستی براساس آن علم و طبعاً فلسفه علمی که این محدوده و حوزه استفاده از دین را مشخص می‌کند، پیشاپیش روشن شود و تعیین شود که در چه مواردی باید به سراغ چه بخشی از دین رفت؛ آیا در بخش جهان‌بینی یا در بخش منابع یا در چه قسمت‌هایی و در چه حوزه‌هایی این علوم از منابع بشری بهره می‌گیرند.

مبلغی اضافه کرد: این نکته نیز گفتنی است که وقتی ما در علوم دینی محض مانند فقه، مقوله رسیدن به روش و مقوله شناخت تفصیلی روش و مقوله تولید گزاره را امری بشری به حساب می‌آوریم، و دینی بودن آن را فقط از جهت سرچشمه گرفتن آن از منابع وحی لحاظ می‌کنیم، در علوم مستفید از دین همان مقوله‌ها یعنی مقوله تعیین روش - حداقل در ارتباط با بخش‌هایی از آن، شناخت روش و دست زدن به فعالیت دانشی، بشری هستند؛ یعنی خدای عالم مطلق دست به نظریه‌پردازی نمی‌زند.

این استاد حوزه و دانشگاه تفکیک میان دو دسته از علوم مرتبط با دین یعنی تقسیم آن‌ها به علوم دینی محض و علوم مستفید از دین را تقسیمی راهگشا دانست و بیان کرد: اگر ما بپذیریم که استفاده از دین در بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی امری گریزناپذیر و قطعی است، آن گاه باید در یک مطالعه بیرون از این علوم انسانی، به سهم و میزان نقش منابع دینی در این علوم و یا نقش دین در تکوین مبانی آن‌ها بپردازیم.

وی پاره‌ای از انتقادات به علوم انسانی را برخاسته از این دانست که شاید در این علوم استفاده معقولی از منابع دینی انجام نگرفته

است و در این باره خاطرنشان کرد: نباید این گونه تلقی کرد که وقتی گفته می‌شود که علوم انسانی دارای اشکالاتی است، مقصود این است که این علوم را باید یک‌دست و یک‌سره و تماماً از دین گرفت. ما حتی علم اصول را نیز که علمی است که در لبالب علم دینی شدن قرار گرفته است، هنوز تماماً از دین نمی‌گیریم و دینی محض نمی‌دانیم، پس در این شرایط چگونه انتظار می‌رود که مباحث خود را در مسائل علوم انسانی تماماً از دین بگیریم. این نگاه اشتباهی است. باید از نگاه افراطی و تفریطی پرهیز کرد و هر چند بر بهره‌گیری ناگزیر علوم انسانی از دین باید پای فشرد، اما نباید گفت که این علوم به علمی محضاً دینی تبدیل شوند.

حجت‌الاسلام مبلغی افزود: علاوه بر این باید توجه داشت که نوع بهره‌گیری از دین در شاخه‌های مختلف علوم انسانی متفاوت است و همه این علوم را نباید با یک نگاه کلی دید و با یک شعار همه را یکسان و همسان تلقی کرد. بلکه در چارچوب فلسفه علم باید فلسفه علوم دینی و علوم بهره‌گیرنده از دین مشخص شود